

معناشناسی مفهوم "رضا" در قرآن و روایات و استخراج دلالت‌های تربیتی آن

علی شیروانی شیری^۱

فاطمه حیدری^۲

محدثه رمضانی^۳

چکیده

هدف این پژوهش واکاوی مفهوم رضا در قرآن مجید و روایت رسیده از معصومین علیهم السلام و استخراج دلالت‌های تربیتی این مفهوم است. رضا یکی از مفاهیم بنیادین اسلامی است که در قرآن کریم و روایات معصومین به آن توجه ویژه‌ای شده است. این پژوهش با رویکردی کیفی و با روش تحلیل مفهومی و تحلیل استنتاجی انجام گرفته است. پرسش اصلی این مقاله عبارت است از: مفهوم رضا در قرآن مجید و روایات معصومین علیهم السلام به چه معناست و دلالت‌های تربیتی آن کدام‌اند؟. مطالعه انجام شده نشان می‌دهد که مفهوم رضا در قرآن به معنای ترک اعتراض بر مقدرات الهیه در باطن و ظاهر است و بالاترین درجه رضا و خشنودی خداوند رضوان می‌باشد. یکی از اهداف عالی تربیتی برآمده از این مفهوم قرب الی الله است که در سند تحول بنیادین نیز از این هدف بعنوان هدف اصلی تربیت یاد شده است. به علاوه این پژوهش نشان می‌دهد که مفهوم رضا بایستی در اهداف آموزش و پرورش گنجانده شود و جزئی از برنامه‌های تربیتی آن باشد.

واژه‌گان کلیدی: رضا، قرآن مجید، روایات معصومین علیهم السلام، دلالت‌های تربیتی

۱. استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان. (نویسنده مسئول) آدرس ایمیل: ali_shiravani@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان.

۳. دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان.

مقدمه

پرداختن به مفاهیم بنیادی قرآن کریم از محورهای اساسی در حوزه تعلیم و تربیت اسلامی است. در تعلیم و تربیت، می‌توان با تحلیل مفاهیم بنیادین قرآن کریم که بیان حکیمانه حق تعالی است و بررسی احادیث رسیده از ائمه معصومین علیهم السلام که مفسرین کلام وحی هستند، مبانی و اهداف و همچنین اصول و روش‌های تربیتی متناسب را استخراج نمود. رضا یکی از مفاهیم بنیادین اسلامی است که در قرآن کریم و روایات معصومین به آن توجه ویژه‌ای شده است. تعداد ۷۳ آیه از آیات قرآن کریم به موضوع رضا پرداخته است. از این رو فراوانی استفاده از این واژه و کلمات هم خانواده آن در قرآن کریم نشان دهنده جایگاه والا و ارزشمند این مفهوم می‌باشد. قرآن کریم که برترین منبع هدایت و تربیت انسان است، سعادت حقیقی را در گرو کسب رضای الهی می‌داند. همانطور که دین ارائه شده توسط قرآن و رسول اکرم برنامه زندگی بشر می‌باشد، فلذا بایستی مطابق با تمام شئون زندگی آدمی باشد. در قرآن برای انسان برنامه زندگی کاملاً منسجمی طراحی شده است. به همین دلیل اسلام برای تربیت راه و رسم بسیار منظم و کاملی دارد. از این رو برای اینکه انسان از این برنامه منسجم و کامل بهره‌گیرد به صورتی که در تمام طول عمر همه‌ی جوانب زندگی اش را دربر بگیرد بایستی تحت یک تربیت صحیح و قرآنی قرار بگیرد.

علاوه بر آیات بسیاری از قرآن کریم، احادیث معصومین علیهم السلام و اکثر منابع تربیت اسلامی و از جمله نهج البلاغه، کیمیای سعادت، معراج السعاده به ابعاد مهم و مختلف این مفهوم پرداخته‌اند که خود نشان از اهمیت این مفهوم در حوزه تربیت اسلامی است. مفهوم‌پردازی علمی و دقیق‌تر این مفهوم و پرداختن به اهداف، اصول و شیوه‌های تربیتی در عرصه تعلیم و تربیت از ضرورت‌های پژوهشی است که باید به شیوه‌ای روشمند مورد مطالعه قرار گیرد.

دستیابی به رضا و رضایتمندی، بستر موفقیت و کامیابی است. هیچ انسان موقّعی نیست که از هنر «رضایت از زندگی» برخوردار نباشد. بدون رضامندی، امکان پیشرفت و موفقیت وجود ندارد. انسان‌های موقّع کسانی‌اند که «در زندگی» نه تنها «در زندگی» که با زندگی خود نیز مشکلی ندارند (پسندیده، ۱۳۸۹: ۱۵). برای داشتن جامعه‌ای موفق نیاز به داشتن نسلی موفق است و برای رسیدن یک نسل به موفقیت ابتدا باید بستر و مؤلفه‌های آن که از آن جمله رسیدن به رضا و داشتن رضایتمندی است، را فراهم نمود.

افزون بر رسیدن به رضا و داشتن رضایتمندی از خود و زندگی خود، تحصیل رضای الهی نیز میدان وسیعی است که همه‌ی انسان‌ها، در آن، امکان پیشروی دارند. "رسیدن به مقام رضا از دیدگاه قرآن نتیجه ایمان و معرفت یقینی به خداوند، صداقت در گفتار، اطاعت و پیروی از حق و رضایت از قضا و قدر الهی است که سالکان کوی حق برای رسیدن به مقام رضوان الهی تلاش کرده و اراده محبوب را بر اراده خویش مقدم می‌دارند" (انصارمحمدی، ۱۳۹۵: ۱۸۶). به همین دلیل ابتدا لازم است در این پژوهش به روشن سازی مفهوم قرآنی رضا پرداخته شود و سپس بر اساس آن دلالت‌های تربیتی آن استخراج شود. اکنون با توجه به هدف اصلی این پژوهش که عبارت است از، روشن سازی مفهوم رضا در قرآن و سپس استنتاج دلالت‌های تربیتی آن، می‌توان پرسش‌های زیر را مطرح کرد:

۱- مفهوم رضا در قرآن و روایات به چه معناست؟

۲- دلالت‌های تربیتی مفهوم رضا کدام‌اند؟

روش مطالعه

این پژوهش با رویکردی کیفی و با به کارگیری روش اسنادی در جمع‌آوری داده‌ها صورت گرفته است. "تحقیق کیفی به مجموعه فعالیت‌های با معنایی اطلاق می‌گردد که با هدف توسعه درک زندگی اجتماعی انسان‌ها و کشف چگونگی ساخت معنا از سوی انسان‌ها انجام می‌شود" (ایمان، ۱۳۸۸: ۱۴۹). با توجه به پرسش‌های مطرح شده، در این پژوهش ابتدا به تجزیه و تحلیل مفهوم قرآنی رضا پرداخته شده است و سپس بر اساس تحلیل‌های انجام شده، دلالت‌های تربیتی آن استنتاج می‌شود. بنابراین روش مطالعه حاضر در بخش تحلیل داده‌ها، تحلیلی استنتاجی می‌باشد.

مفهوم و معنای رضا

برای پرداختن به مفهوم رضا در قرآن کریم ابتدا باید معنای لغوی آن روشن شود.

رضا در لغت به معنای خشنودی (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص: ۸۰) و ضد سخط (قریشی، ۱۳۶۴، ج ۳، ص: ۱۰۴) است.

رضا در کتاب مفردات الفاظ قرآن کریم بر دو قسم آمده است: "رضا العبد عن الله: رضایت بنده از خداوند به این معناست که از آنچه پروردگار در حقش مقدر فرموده ناراحت نباشد. اما رضا الله عن البدن: این است که خداوند بنده‌اش را مطیع دستورش و بر حذر کننده از نواهی الهی ببیند" (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷، ص: ۳۱۲).

این کلمه در اصطلاح عبارت است از ترک اعتراض بر مقدرات الهیه در باطن و ظاهر، قولاً و فعلاً (نراقی، ۱۳۷۸: ۶۱۲) به گونه‌ای که بنده مقامی بیشتر از آنچه خدا آن را قرار داده است، طلب نکند که این خود بالاترین درجه تکامل است؛ زیرا تکامل دارای درجاتی است؛ اول: صبر، دوم: تنزیه خداوند، سوم: سپاس و ستایش پروردگار، چهارم: رضا به قضای الهی (قرائتی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص: ۴۱۲). علامه طباطبایی می‌نویسد "مقام رضوان الهی، به گونه‌ای است که معرفت انسان نمی‌تواند آن را و حدود آن را به درستی درک کند؛ چون رضوان خدا محدود نیست تا اندیشه انسان بدان راه یابد" (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۹: ۳۷۶). از نگاه عرفا برای این مقام تعاریف متعددی مطرح شده است. از نظر برخی رضا عبارت از است رفع کراهت و استحالی مرارت احکام قضا که بعد از عبور از منزل توکل است و نهایت مقام سالکان است (کاشانی، ۱۳۹۳: ۳۹۹).

ملا مهدی نراقی در نسبت و ربط این مفهوم با مفاهیمی چون تسلیم و توکل می‌نویسد: "تسلیم همان تفویض است که به مقام رضا نزدیک است، بلکه فوق رضا و خشنودی است؛ چرا که تفویض عبارت است از ترک خواهش‌ها در امور زندگی و واگذاری همه آنها به خدا. پس آن بالاتر از رضا است؛ زیرا در مرتبه رضا، افعال خدا موافق طبع او است و او راضی به اموری است که برایش پیش آمده، پس طبع او لحاظ شده است، ولی در مرتبه تسلیم، طبع و موافقت و مخالفت آن به کلی به خدای سبحان واگذار شده است، به همین دلیل بالاتر از مرتبه توکل نیز هست؛ زیرا توکل، عبارت است از اعتماد در امور خویش به خدا، و آن به منزله وکیل نمودن خدا است در امور خود، و گویی خدا را به مثابه وکیل خود قرار داده است، پس تعلق او به امور خود باقی است، ولی در مرتبه تسلیم قطع کلی علاقه از امور متعلق به خویش است" (نراقی، ۱۳۷۸: ۶۱۶).

بررسی مفهوم رضا در بافت آیات قرآن کریم

در قرآن کریم رضای الهی به رضوان تعبیر شده است. "وَ رِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ" (توبه/۷۲) کلمه رضوان به کسره راء و هم ضمه آن به معنای بالاترین درجه رضا و خشنودی است و چون بزرگ‌ترین رضا، خشنودی خداوند است، واژه رضوان در قرآن به هرچه که از اوست اختصاص یافته است. رضوان الهی مقامی نیست که هرکس بتواند آن را آرزو کند، زیرا مقدار آرزوی هرکس به اندازه ادراک و اندیشه اوست و رضوان خدا در حیطه دعا و آرزو نیست.

خداوند متعال در آیات متعددی به خشنودی متقابل، یعنی خشنودی خداوند از بنده و خشنودی بنده از

خداوند اشاره می‌فرماید و از آن جمله، آیه: "قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمٌ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ" (مائده/۱۱۹) است.

خداوند در سوره الفتح اشاره می‌کند که ایمانی مورد رضایت ایشان است که همراه با وفاداری نسبت به پیامبرش باشد و الطاف الهی، مخصوص کسانی است که برخوردهایشان از سر اخلاص و صداقت باشد. "قَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَيَّاعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا" (الفتح/۱۸) (قرآنی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص: ۱۳۲). با در نظر گرفتن آیه فوق چنین برداشت می‌شود که خوشنودی خداوند با صداقت، اخلاص و اطاعت از پیامبران الهی ملازم است.

خداوند در وصف انسان‌های کمال یافته می‌فرماید: "يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي". (الفجر/۳۰-۲۷) در این آیه نفوس مطمئنه را به وصف راضیه و مرضیه توصیف کرده است بدین جهت که اطمینان و سکونت یافتن دل به پروردگار مستلزم آن است که از او راضی باشد و هر قضا و قدری که او برایش پیش می‌آورد کم‌ترین چون و چراپی نکند، حال چه آن قضا و قدر تکوینی باشد و چه حکمی باشد که خدا قرار داده است پس هیچ رویدادی او را به خشم نمی‌آورد و هیچ معصیتی دل او را منحرف نمی‌کند، او در مجرای تقدیرات اراده خود را در مسیر خواست خدا قرار می‌دهد و به آن چه واقع شده و می‌شود ولو برخلاف اراده و میلش باشد با کمال رضایت گردن می‌نهد و به رضای خاطر خطرات را استقبال می‌کند و اوامر خداوند را به جان خریداری می‌کند. این امر بدان دلیل است که نفس مطمئنه می‌داند که تمام افعال الهی موافق حکمت و عین صلاح است، در تمام حالات خشنود و خرسند است فقر باشد یا ثروت، سلامت یا بیماری، نعمت یا بلا. خداوند در آیه: "فَأَنقَلِبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَمْ يَمْسَسْهُمْ سُوءٌ وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ" (آل عمران/۱۷۴) از انسان‌هایی سخن می‌گوید که در راه خدا به استقبال خطر می‌روند و اصل مهم برای آنان رضایت الهی است. این گونه انسان‌ها از جانفشانی در راه کسب رضای الهی هیچگونه عیبی ندارند "وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ" (بقره/۲۰۷) و خداوند فضل بزرگ خود را نصیب آن‌ها می‌کند. "وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ" (آل عمران/۱۷۴) (همان، ۱۳۷۴، ج ۱، ص: ۶۵۵)

امام صادق علیه السلام فرمود: رَأْسُ طَاعَةِ اللَّهِ الصَّبْرُ وَالرِّضَا عَنِ اللَّهِ فِيمَا أَحَبَّ الْعَبْدُ أَوْ كَرِهَ؛ بالاترین اطاعت پروردگار صبر و استقامت، تسلیم و رضا در برابر فرمان اوست، خواه مطابق تمایل انسان باشد یا

نه."

با توجه به مفهوم "صبر" - صبر معادل استقامت و پایداری در راه انجام وظیفه و مبارزه با مفسد و ایستادگی در برابر حوادث ناگوار زندگی است - روشن می‌شود که رضا و تسلیم مفهومی هم‌ردیف آن دارد" (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴، ص: ۱۴۳)

"إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ جَزَاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ" (بینه ۸-۷) در این آیات ملاک رضایت الهی، ایمان و عمل صالح بیان شده است. اسلام معیار سعادت و فضیلت را ایمان و عمل صالح می‌داند. اما ایمان و عمل صالح دارای مراتب فراوانی هستند، در نتیجه رضای الهی نیز دارای مراتب گوناگونی است. پس مرتبه رضای الهی - که پیامدی از پیامدهای ایمان و عمل صالح است - به مرتبه ایمان و عمل صالح وابسته است. هر چه ایمان انسان کامل‌تر و عمل او صالح‌تر باشد خداوند بیش‌تر از او رضایت دارد.

از این آیات و نظیر آن‌ها فهمیده می‌شود که باید با صمیم قلب و خشنودی کامل، تسلیم فرمان خدا و رسولش بود. و بهترین شیوه در پیشگاه خدا، همین شیوه است و کسانی که دارای چنین شیوه‌ای هستند به دستگیره محکم و مورد اطمینان دست زده‌اند و با طی کردن مراتب عالی ایمان و عمل صالح که ملاک رضایت الهی است؛ به مراتب بالای این مقام والا می‌رسند.

بررسی بر اساس مفهوم متضاد

در قرآن کریم "رضا" به معنای خشنودی ترک اعتراض بر مقدرات الهیه در باطن و ظاهر، در اصل مقابل واژه سخط آمده است. در قرآن کریم چهار آیه پیرامون سخط الهی آمده است: "أَفَمَنْ اتَّبَعَ رِضْوَانَ اللَّهِ كَمَنْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ" (آل عمران/۱۶۲) یعنی آیا کسی که رضای پروردگار را پیروی می‌کند، همانند کسی است که به سوی خشم پروردگار بازگشته و جایگاهش جهنم است که بد جایگاهی است؟

"تَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَبِئْسَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنْفُسُهُمْ أَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِي الْعَذَابِ لَهُمْ خَالِدُونَ" (مانده ۸۰) می‌بینی بسیاری از آنها را که با کافران پیوند دوستی دارند، چه بد اعمالی از پیش برای معاد خود فرستادند؛ اعمالی که خشم الهی را در پی دارد و برای همیشه در عذاب خواهند بود.

"وَمِنْهُمْ مَنْ يُلْمِزُكَ فِي الصَّدَقَاتِ فَإِنْ أُعْطُوا مِنْهَا رَضُوا وَإِنْ لَمْ يُعْطُوا مِنْهَا إِذَا هُمْ يَسْتَخْطُونَ"

(توبه/۵۸) گروهی از آنها درباره صدقات از تو عیب می گیرند. البته اگر سهمی به آنها داده شود، راضی می شوند و اگر چیزی به آنها داده نشود، خشمگین می گردند.

"ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اتَّبَعُوا مَا أَسْخَطَ اللَّهَ وَكَرِهُوا رِضْوَانَهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ" (سوره محمد/۲۸) این، برای آن است که پیروی از خشم پروردگار کردند و از آنچه باعث خشنودی اوست، کراهت داشتند؛ در نتیجه خداوند کارهایشان را نابود کرد.

سخط در بندگان از رذایل اخلاقی و اعتراض به تقدیرات خدا است و ضد آن رضا است. این صفت ناشی از عدم شناخت و معرفت صحیح به صفات و افعال خداوند و دنیا طلبی می باشد. کلمه "غضب" در آیات بسیاری به کار رفته است که در بیشتر موارد، مراد غضب و خشم الهی است که شامل کافران و منافقان می شود. همچنین در برخی آیات، قرآن کریم مومنان را به "کنترل خشم سفارش کرده و از ویژگی های بارز آنان، عفو و بخشش در هنگام غضب"، (شوری/۳۷) و "صبر و تحمل در برابر حکم و قضای خداوند" نام برده است (قلم/۴۸) چنانکه می فرماید: "و همان کسانی که از گناهان بزرگ و از کارهای زشت دوری می کنند و هنگامی که (به مردم) خشم می گیرند، راه چشم پوشی و گذشت را برمی گزینند".

به عبارتی آیه در صدد بیان این مطلب است که این گروه نه تنها در موقع غضب، اختیار خود را از دست نداده و دست به اعمال زشت نمی زنند، بلکه با عفو و بخشش، قلب خود را از کینه ها می شویند و این صفتی است که تنها در سایه ایمان و توکل بر خدا پیدا می شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص: ۴۵۹).

"آن کسانی که در توان گری و تنگدستی انفاق می کنند و خشم خویش فرو می خورند و از خطای مردم در می گذرند خدا نیکوکاران را دوست دارد" (آل عمران: ۱۳۴) هم چنانکه مشخص است فرو بردن خشم در این آیه از صفات نیکوکاران و پرهیزکاران شمرده شده است.

"هر انسانی طبیعتاً در مقابل پیشامدهای ناگوار، ناراحت و عصبانی می شود، اما اگر خشم به طور متعادل به کار گرفته نشود، موجب خواری و هلاکت و بسیاری از شرور دیگر می گردد" (فیض کاشانی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص: ۲۹۴) به طوری که شخص در زمان عصبانیت قدرت تفکر نداشته"، (کلینی، ۱۳۹۳، ج ۳، ص: ۴۱۲) "و ممکن است دست به اموری بزند که شایسته نیست و حتی موجب قتل شخصی دیگر گردد"

(علامه مجلسی، ج ۷۳، ص: ۲۶۵). در اخبار و آثار، مذمت شدید در خصوص غضب وارد شده است. حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند که: "غضب ایمان را فاسد می گرداند چنانکه سرکه غسل را فاسد می کند" و از حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) آمده است که: "این غضب آتش

پاره‌ای است از شیطان، که در باطن فرزند آدم است. و چون کسی از شما غضبناک گردید چشم‌های او سرخ می‌گردد و باد به رگ‌های او می‌افتد و شیطان داخل او می‌شود." از جمله سخن امام محمد باقر (علیه السلام) که فرمودند: "هر که خشم خود را از مردم باز گیرد، خدای تبارک و تعالی خشم خود را از او باز می‌گیرد" (کلینی، ۱۳۹۳، ج ۳، ص: ۴۱۵). از حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) نقل است که: "غضب، کلید هر بدی و شرّی است" و باز از آن حضرت است که: "غضب، دل مرد دانا را هلاک می‌کند" و "کسی که قوه غضبیه خود را مالک نباشد عقل خود را نیز مالک نیست" همچنین "هر که غضب خود را نگه دارد، خداوند عیب او را بپوشاند" (همان، ۱۳۹۳، ج ۳، ص: ۴۱۵).

در روایتی دیگر، حضرت علی (علیه السلام) فرموده‌اند: "سخت‌ترین دشمن انسان غضب و هوای نفس او است، هر کس بتواند این دو را رها کند، درجه او بلند می‌شود و به آخرین مرحله کمال می‌رسد." (خوانساری، ۱۳۸۴، ج ۲، ص: ۴۵۴) رضا، ترک سخط است و سخط عبارت از اینکه انسان، غیر آنچه خدا مقدر فرموده طلب کند و آن را برای خود اولی و سزاوارتر بیندارد، آن هم در مواردی که یقین به فساد و صلاح آن ندارد و این حرام است و در شرع مقدس از آن نهی شده است. (انصاریان، ۱۳۲۳، ص: ۱۷۵)

در حدیث آمده است که هر کس به قضاء من رضا ندهد و بر بالای من شکبیا نباشد و نعمت هایم را سپاس نگذارد پس از زمین و آسمان من خارج شود و پروردگاری غیر از من برای خود اختیار نماید (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۹، ص: ۱۳۲).

ویژگی‌های مغضوبین، براساس سیاق آیات قرآن

در آیه شریفه "صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ" خداوند متعال بعد از "أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ"، "غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ" را ذکر کرده است، یعنی اینکه مواظب باشید شما هم بعد از نعمت دادن ما، مثل یهود و نصاری نباشید و خصوصیات آنها را نداشته باشید. ..باید بدانیم علاوه بر موارد فوق راه غضب شدگان همان؛ راه فرعون‌ها و قدرتمندان مغضوب است، که به خاطر بی‌تعهدی و گردنکشی‌شان، غرق و هلاک شدند. "فَأَخَذْنَا مِنْهُ جُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ". (قصص/۴۰) تا او و سپاهیان‌ش را فرو گرفتیم و آنان را در دریا افکندیم، بنگر که فرجام کار ستمکاران چگونه بود. "فَخَسَفْنَا بِهِ وَبِدَارِهِ الْأَرْضَ فَمَا كَانَ لَهُ مِنْ فِئَةٍ يَنْصُرُونَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُنتَصِرِينَ" (قصص/ ۸۱) آن گاه (قارون) را با خانه‌اش در زمین فرو بردیم، و گروهی نداشت که در برابر (عذاب) خدا او را یاری کنند و (خود نیز) نتوانست از خود دفاع کند. "كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا

تَعْلُونَ" (صف/۳) برای شناخت مغضوبان، باید تاریخ و سرگذشت افراد و امت‌هایی را مطالعه کرد که به قهر خدا دچار شدند، و مورد عذاب و هلاکت قرار گرفتند؛ مثل قوم یهود، لوط و پیروان طاغوت، منافقان و قاتلان و... "وَتِلْكَ عَادٌ جَحَدُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَعَصَوْا رُسُلَهُ وَاتَّبَعُوا أَمْرَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ" (هود/۵۹) در این آیه گناهان قوم عاد را در سه موضوع خلاصه می‌کند: نخست می‌فرماید: "و این قوم عاد بود که آیات پروردگارش را انکار کردند" و با لجاجت، هرگونه دلیل و مدرک روشنی را بر صدق دعوت پیامبرشان منکر شدند (وَتِلْكَ عَادٌ جَحَدُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ). دیگر این که: آن‌ها از نظر عمل نیز "به عصیان و سرکشی در برابر پیامبران برخاستند" (وَعَصَوْا رُسُلَهُ).

سومین گناهشان این بود که فرمان خدا را رها کرده "و از فرمان هر جبار عنیدی پیروی می‌کردند" (وَاتَّبَعُوا أَمْرَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ). چه گناهی از این گناهان بالاتر، ترک ایمان، مخالفت پیامبران و گردن نهادن به فرمان جباران عنید. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص: ۳۵۶) "وَالَّذِينَ يُحَاجُّونَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا اسْتُجِيبَ لَهُ حُجَّتُهُمْ دَاحِضَةٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ" (شوری/۱۶) و کسانی که درباره خدا پس از اجابت (دعوت) او به مجادله می‌پردازند، حجتشان پیش پروردگارش باطل است، و خشمی (از خدا) برایشان است و برای آنان عذابی سخت خواهد بود "و يُعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ ذَاتُ السَّوْءِ وَاللَّهُ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَ أَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَ سَاءَتْ مَصِيرًا" (فتح/ ۶) و (تا) مردان و زنان نفاق پیشه و مردان و زنان مشرک را که به خدا گمان بد برده‌اند، عذاب کند بد زمانه بر آنان باد. و خدا بر ایشان خشم نموده و لعنتشان کرده و جهنم را برای آنان آماده گردانیده و (چه) بد سرانجامی است. "وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ لَعَنَهُ وَ أَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا". (نساء، / ۹۳) و هر کس عمداً مومنی را بکشد، کیفرش دوزخ است که در آن ماندگار خواهد بود و خدا بر او خشم می‌گیرد و لعنتش می‌کند و عذابی بزرگ برایش آماده ساخته است. در قرآن مجید چنین استفاده می‌شود که "مغضوب علیهم" مرحله‌ای سخت‌تر و بدتر از ضالین است، و به تعبیر دیگر ضالین گمراهان عادی هستند، و مغضوب علیهم، گمراهان لجوج و یا منافق، و به همین دلیل در بسیاری از موارد، غضب و لعن خداوند در مورد آنها ذکر شده. در آیه ۱۰۶ سوره نحل می‌خوانیم: "وَلَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكَفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِّنَ اللَّهِ. لِيَكُنْ هِرْ كَه سِينَه‌اش به كُفْر گشاده گردد خشم خدا بر آنان است". و در آیه ۶ سوره فتح آمده است، "و يُعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ ذَاتُ السَّوْءِ وَاللَّهُ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ لَعَنَهُمْ وَ أَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ. وَ

(تا) مردان و زنان نفاق‌پیشه و مردان و زنان مشرک را که به خدا گمان بد برده‌اند، عذاب کند بد زمانه بر آنان باد. و خدا بر ایشان خشم نموده و لعنتشان کرده و جهنم را برای آنان آماده گردانیده".

به هر حال مغضوب علیهم آنها هستند که علاوه بر کفر، راه لجاجت و عناد و دشمنی با حق را می‌پیمایند و حتی از اذیت و آزار رهبران الهی و پیامبران در صورت امکان فروگذار نمی‌کنند. آیه ۱۱۲ سوره آل عمران می‌گوید: "وَبَآقُوا يَغْضَبُ مِنْ اللَّهِ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ يَقْتُلُونَ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَ كَانُوا يَعْتَدُونَ". و به خشمی از خدا گرفتار آمدند، و (مهر) بینوایی بر آنان زده شد. این بدان سبب بود که به آیات خدا کفر می‌ورزیدند و پیامبران را بناحق می‌کشتند. (و نیز) این (عقوبت) به سزای آن بود که نافرمانی کردند و از اندازه درمی‌گذرانیدند". (همان، ۱۳۷۴، ج ۱، ص: ۵۵) اگر ما نعمت را شکر نکنیم، خداوند آنها را از ما گرفته و ما جزو مغضوب‌ها و ضالین‌ها خواهیم شد. پس ممکن است یک دسته افراد باشند که مورد نعمت خدا باشند ولی سپس از شمول نعمت خارج شده و مغضوب الهی واقع شوند.

بررسی مفهوم رضا در روایات

این مفهوم علاوه بر آیات قرآن، در روایات معصومین علیهم السلام نیز بسیار مورد توجه قرار گرفته است تا جایی که از نظر پیامبر اسلام صلوات الله علیه آسایش و شادمانی انسان در گرو دستیابی به رضا و خشنودی است "إِنَّ اللَّهَ بِحُكْمِهِ وَ فَضْلِهِ جَعَلَ الرُّوحَ وَ الفَّرَحَ فِي اليَقِينِ وَ الرِّضَا، وَ جَعَلَ الِهَمَّ وَ الحُزْنَ فِي الشَّكِّ وَ السَّخَطِ" (ابن شیبه حرانی، ۱۴۰۴ ق: ۶) یعنی خداوند با حکمت و فضل خویش، آسایش و شادمانی را در یقین و رضا قرار داده است و اندوه و حزن را در شک و نارضایتی. در واقع بر اساس این حدیث، آسایش و شادمانی انسان ریشه در یقین و خشنودی انسان دارد، همانطوری که اندوه و حزن در عدم یقین و نارضایتی ریشه دارد.

امیرالمومنین علی علیه السلام، غایت و هدف نهایی دین را رسیدن به مقام رضا معرفی کرده‌اند "غَايَةُ الدِّينِ الرِّضَا" (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶ ش: جلد ۱: ۳۶۹/۴). ایشان همچنین دستیابی به مقام رضا را نشانه صدق ایمان معرفی می‌کنند: "اجدُرُ الاشياءِ بصدقِ اليمانِ: الرضا و التسليم" (همان: ۲/۴۴۸): یعنی سزاوارترین چیزها به ایمان راستین، رضا و تسلیم است. همچنین رضا و خشنودی بهترین همنشین ایمان است "يَعْمُ قَرِينُ الْإِيمَانِ الرِّضَا" (همان: ۶/۱۶۰). خشنودی و رضا در حقیقت قله و اوج عبادت است "رَأْسُ الطَّاعَةِ الرِّضَا" (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶ ش: جلد ۱: ۵۳/۴).

امام حسین علیه السلام با وجود بلاها و مصیبت‌های بسیار، همواره صبور، راضی و خورسند بودند. در خطبه‌ای خطاب به یاران می‌فرماید: "رِضًا لِلَّهِ رِضَانًا أَهْلِ الْبَيْتِ، نَصْبِرُ عَلَىٰ بِلَائِهِ" (الامین، ۱۴۰۳ق).
علی بن حسین علیه السلام در اهمیت رضا می‌فرماید: "الصَّبْرُ وَ الرِّضَا عَنِ اللَّهِ رَأْسُ طَاعَةِ اللَّهِ، وَ مَنْ صَبَرَ وَ رَضِيَ عَنِ اللَّهِ فِيمَا قَضَىٰ عَلَيْهِ فِيمَا أَحَبَّ أَوْ كَرِهَ، لَمْ يَقْضِ اللَّهُ - عَزَّ وَ جَلَّ - لَهُ فِيمَا أَحَبَّ أَوْ كَرِهَ إِلَّا مَا هُوَ خَيْرٌ لَهُ". در حدیثی دیگر از امام چهارم، رضا و خشنودی بالاترین درجه یقین است "أَعْلَىٰ دَرَجَةِ الزُّهْدِ أَدْنَىٰ دَرَجَةِ الْوَرَعِ، وَ أَعْلَىٰ دَرَجَةِ الْوَرَعِ أَدْنَىٰ دَرَجَةِ الْيَقِينِ، وَ أَعْلَىٰ دَرَجَةِ الْيَقِينِ أَدْنَىٰ دَرَجَةِ الرِّضَا" و در حدیثی دیگر آمده است "يَا هِشَامُ، إِنَّ الْعَاقِلَ رَضِيَ بِالذُّونِ مِنَ الدُّنْيَا مَعَ الْحِكْمَةِ، وَ لَمْ يَرْضَ بِالذُّونِ مِنَ الْحِكْمَةِ مَعَ الدُّنْيَا؛ فَلِذَلِكَ رِبَحْتَ تِجَارَتَهُمْ" (کلینی، ق۱۴۲۹).

ویژگی‌های رضایتمندان

در روایات و آیات زیادی به ویژگی‌های طالبان رضوان خداوند اشاره شده است که در زیر به چند مواردی اشاره می‌کنیم:

۱. صبر

پرورش روح رضا و تسلیم به انسان این امکان را می‌دهد که مشکلات را در خود هضم کرده و از مسیر خود منحرف نشود و کوشش و تلاش را تا رسیدن به نتیجه نهایی ادامه دهد، آیه‌ای که حال یاران پیغمبر صلی الله علیه و آله را در غزوه احد بیان می‌کرد، اشاره به این نوع رضا و تسلیم است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴، ص: ۱۴۵). همچنین "مقاومت در مقابل مصائب و حوادث دردناکی که خواه ناخواه در زندگی هر کس پیش می‌آید و گاهی افراد را چنان منقلب می‌سازد که رشته زندگی را به کلی از دستشان بیرون می‌برد" (همان، ۱۳۸۴، ص: ۱۴۶)، از ویژگی‌های داشتن چنین روحیه‌ای است. همانطور که گفته شد، رضا و تسلیم در برابر چنین حوادث، به انسان روحیه صبر و پایداری و تلاش برای ساختن آینده‌ای بهتر و زدودن گرد و غبار یأس، از صفحه خاطر می‌بخشد و مانع از آن می‌گردد که مشکلات انسان را از صراط مستقیم بیرون کند.

۲. خائف و امیدوار

"در بعضی روایات ویژگی‌های کسانی ذکر شده است که به دنبال رضای خدا هستند و خدا از آن‌ها راضی است. از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: "الْخَوْفُ رَقِيبُ الْقَلْبِ، وَ الرَّجَاءُ شَفِيعُ النَّفْسِ، وَ مَنْ كَانَ يَأْتِي... غَارِفًا كَانَ مِنْ... خَائِفًا وَ إِلَيْهِ رَاجِعًا، وَ هُمَا جَنَاحَا الْإِيمَانِ يَطِيرُ الْعَبْدُ الْمُحَقِّقُ بِهِمَا إِلَىٰ رِضْوَانِ"

الله؛ خوف از خدا رقیب و نگهبان دل و رجاء و امید شفیع نفس انسان است و کسی که خدا را بشناسد دارای خوف از خدا و امید به او خواهد بود و این دو صفت دو بال ایمان هستند که بنده متصف به این دو صفت به سوی رضوان خدا پرواز می‌کند" (مجلسی، ۱۴۰۳ق.، ج ۶۷، ص: ۳۹۰).

۳. کثرت استغفار، تواضع و صدقه فراوان

در روایت دیگری آمده است: "ثَلَاثٌ يَبْلُغُنَّ بِالْعَبْدِ رِضْوَانَ اللَّهِ: كَثْرَةُ الْإِسْتِغْفَارِ، وَ حَفْضُ الْجَانِبِ، وَ كَثْرَةُ الصَّدَقَةِ؛ سه چیز است که بنده را به رضوان الهی می‌رساند؛ فراوانی استغفار و تواضع در برابر دیگران و فراوانی صدقه" (همان، ج ۶۷، ص: ۳۹۰).

۴. دشمنی با دشمنان خدا

"در روایتی دیگر آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: " قَالَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ تَحَبَّبُوا إِلَيَّ ... وَ تَقَرَّبُوا إِلَيْهِ. قَالُوا: يَا رُوحَ ... بِمَاذَا نَتَحَبَّبُ إِلَيْكَ ... وَ نَتَقَرَّبُ؟ قَالَ: بِبُغْضِ أَهْلِ الْمَعَاصِي وَ التَّمَسُّوْا رِضًا ... بِسَخَطِهِمْ؛" حضرت عیسی بن مریم به حواریین فرمود: کاری کنید که نزد خدا محبوب گردید و به خدا نزدیک شوید. گفتند: ای روح الله! چگونه در نزد خدا محبوب شویم و به او نزدیک گردیم؟ گفت: با بغض اهل گناه، و با دشمنی ایشان، رضای الهی را طلب کنید! نکته‌ای که در این روایت بیان شده است همان مسأله تبری و تولی است که در ضمن فروع دین بیان می‌گردد. یکی از اصول فرهنگ شیعه این است که انسان باید هم جاذبه داشته باشد و هم دافعه. اگر انسان در کنار دوستی خوبان، دشمنان خدا را دشمن ندارد، دوستی او هم دوامی نخواهد داشت. این امر شبیه قوه جاذبه و دافعه ای است که در هر موجود زنده‌ای وجود دارد. اگر انسان در کنار غذاهای خوب، از سموم هم تغذیه کند و از هیچ چیز پرهیز نکند طولی نمی‌کشد که بیماری و حتی مرگ به سراغ او خواهد آمد. قلب و روح انسان هم همین گونه است" (همان، ج ۷۴، ص ۱۴).

۵. آرامش:

انسانی که به مقام والای رضا در زندگی می‌رسد دستاوردهایی حاصل از این مقام برتر را در زندگی خود مشاهده می‌کند. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: مَنْ رَضِيَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِمَا قَسَمَ لَهُ اسْتَرَاحَ بَدَنُهُ حَسِيرَ مَنْ ذَهَبَتْ حَيَاتُهُ؛ هر که به آنچه قسمت اوست راضی باشد، تن او در آسایش است" (همان، ج ۱۰، ص: ۱۱۰).

۶. برطرف شدن غم و اندوه:

"حضرت علی علیه السلام می فرماید: "الرضا ينفي الحزن؛ رضا اندوه را از بین می برد." (الآمدی، ۱۳۷۸، ص: ۱۰۳).

۷. نزدیکی به خدا:

رسول خدا صلوات الله علیه می فرماید: "وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا ابْتَلَاهُ فَإِنْ صَبَرَ اجْتَبَاهُ وَإِنْ رَضِيَ اصْطَفَاهُ؛ اگر خدا بنده ای را دوست بدارد او را گرفتار می سازد. پس اگر صبر کرد او را انتخاب می کند و چنانچه راضی باشد او را برمیگزیند" (النوری الطبرسی، ۱۳۶۸، ج، ۲، ص: ۴۲۷).

۸. بی نیازی و سعادت:

رسول خدا صلوات الله علیه می فرماید: "ارْضَ يَقْسِمُ اللَّهُ تَكُنْ مِنْ أَعْيَى النَّاسِ؛ به آنچه خدا قسمت کرده است راضی باش. بی نیازترین مردم خواهی بود." (حر عاملی، ۱۳۹۳، جلد ۱۵، ص: ۲۶۰).

۹. رضایت خدا از انسان، موجب ورود و قرار گرفتن در زمره حزب الله:

"لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ" (مجادله/۲۲).

۱۰. رضایت خداوند از پیامبران، موجب آگاه ساختن آنان بر عالم غیب:

"عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يَظْهَرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا إِلَّا مَنْ ارْتَضَى مِنْ رَسُولٍ... " (جن/۲۶ و ۲۷). (همان، ۱۳۹۵، جلد ۱۵، ص: ۴۷)

کسی که راضی به رضا و قضای خدا باشد صاحب مقام بسیار بلندی شده است که دنیا و آخرت او را تحت تأثیر قرار می دهد و در میان مردم شاخص می گردد.

دلالت های تربیتی مفهوم رضا

در این قسمت از مقاله، تلاش می شود تا بر اساس بررسی هایی که پیرامون معناشناسی رضا انجام شد، دلالت های تربیتی آن استنتاج شود. چون هر کاری زمانی مفید خواهد بود که انجام دهنده آن، نخست هدف ارزشمندی را در نظر بگیرد، سپس با توجه به امکانات و راه های رسیدن به آن، برنامه ریزی کند؛

ابتدا به اهداف تربیتی مبتنی بر رضا، پرداخته می‌شود.

الف) اهداف تربیتی مبتنی بر مفهوم رضا

عناوینی در قرآن کریم و روایات مطرح شده که ناظر به اهداف تربیت نفس و تزکیه روح است. البته این اهداف هم سطح نیستند. برخی مقدمه برای برخی دیگر است و به تعبیر دیگر بعضی اهداف میانی هستند و بعضی اهداف عالی. مثلاً هرگاه انسان به مقام اطمینان نفس دست پیدا کند، به مقام رضای حق و قرب پروردگار نائل می‌شود: "یا ایته‌ا النفس المطمئنۃ ارجعی الی ربک راضیۃً مرضیۃً." (فجر/۲۸) همان طور که پیداست مقام اطمینان نفس از اهداف میانی است و مقام رضای حق و قرب الی الله از اهداف عالی است. در نتیجه رضا در امر تعلیم و تربیت از اهداف عالی است که باید مورد توجه قرار گیرد. در ادامه به دو هدف میانی و دو هدف عالی برآمده از مفهوم رضا اشاره می‌کنیم:

هدف میانی:

۱- ایجاد تفکر واقع‌گرا

نگرش انسان به دنیا باید نگرشی واقع‌بینانه و هماهنگ با واقعیت‌های آن باشد یعنی باید دنیا و موقعیت‌ها و شرایط آن را آن گونه که هست، شناخت. وقتی صحبت از تفکر و نقش آن در نشاط و شادابی زندگی به میان می‌آید، منظور، تخیل مثبت از زندگی نیست. برای رسیدن به احساس شادمانی، لازم نیست واقعیت‌های گاه سخت و تلخ زندگی را انکار کنیم. با تفکر واقع‌گرا می‌توان به شادمانی و رضامندی رسید و بلکه شاید تنها راه ممکن همین باشد. اگر نگرش انسان به زندگی، واقع‌گرایانه باشد، انتظارات او از زندگی نیز واقع‌گرایانه خواهد بود و در نتیجه احساس او از زندگی نیز واقع‌گرایانه خواهد شد بنابراین هماهنگی انتظارات با واقعیت‌ها که از مولفه‌های شیوه تفکر واقع‌گراست، شرط شاد زیستن و رضایت از زندگی است (پسندیده، ۱۳۸۹، ص: ۲۲).

بنابر این چنانچه در فرآیند تعلیم و تربیت، بتوان زمینه و سازوکاری فراهم کرد تا به ایجاد و تقویت تفکر واقع‌گرای مرتبی کمک شود، نگرش او به زندگی، واقع‌گرایانه خواهد شد. دنیا و موقعیت‌ها و شرایط آن را آن گونه که هست، خواهد شناخت. انتظارات او با واقعیت‌های موجود نیز هماهنگ خواهد شد و همچنین احساس او از زندگی نیز واقع‌گرایانه خواهد شد.

۲. بالا رفتن آستانه صبر

انسان در واقع موجودی عجول است "خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ" (الانبیاء: ۳۷) و "وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا"

(اسراء: ۱۱) و این ویژگی گاه برای وی موجب رشد و صعود و گاه موجب خسران و زیان می‌شود. در شرایطی که عجله و شتابزدگی انسان مانع رشد و موجب خسران برای وی باشد، راه علاج آن صبر و شکیبایی است "إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ" (والعصر: ۱-۳).

مفهوم صبر، دلالت برمعانی متعددی دارد که البته تمامی این معانی به نوعی در ارتباط باهم هستند. این معانی عبارتند از: "شکیبایی درهنگام مصیبت، پایداری در عبادت و اطاعت خداوند، استقامت در ترک گناه، سازگاری در مناسبات انسانی، عدم تعجیل در گفتار و کردار برای مثال، عجله‌نکردن در هنگام عصبانیت و ناسزاگویی به دیگران، عدم تعجیل در قضاوت و ارزیابی، شکیبایی در دستیابی به معرفت، شکیبایی در دستیابی به حقیقت، استقامت و پایداری در راه حق" (شمشیری و شیروانی شیری، ۱۳۹۰: ۷۹-۹۸). با در نظرگرفتن تمامی معانی فوق، می‌توان نتیجه گرفت که فضیلت صبر، نقش بسیار مهمی را در شکل‌گیری شخصیت انسان، ایفا می‌کند چرا که هم با جنبه فردی وهم جنبه اجتماعی انسان سرو کار دارد. در حقیقت گستردگی تأثیرات مثبت این فضیلت اخلاقی چه در سطح فرد و چه در سطح جامعه، به قدری زیاد است که می‌توان آن را یکی از مهمترین شاخص‌های سلامت فرد و جامعه تلقی کرد. شاید به همین دلیل است که خداوند می‌فرماید: "خداوند، صابرين را دوست دارد" (آل عمران: ۱۴۶).

در عالم واقع عالی‌ترین مثال این ویژگی یعنی صبوری را در زندگانی معصومین علیهم السلام می‌بینیم. امام حسین علیه السلام همانند هر انسان دیگری، درد و رنج مبارزه و ضربت شمشیر و نیزه را می‌چشد؛ اما صبور بو دو ناراضی نبود. آن حضرت در عین این که بر بلاها صبور بود، به آنچه خدا مقدر کند نیز راضی بود. هنگام خروج از مکه در خطبه‌ای خطاب به یاران خود می‌فرماید: "رِضًا لِلَّهِ رِضَانَا أَهْلَ الْبَيْتِ، نَصْبِرُ عَلَىٰ بِلَائِهِ" یعنی رضایت خدا رضایت ما اهل بیت است؛ بر بالای او صبر می‌کنیم. و پس از ضربت‌های فراوان، در آخرین لحظات نیز این گونه زمزمه می‌کند: "صَبْرًا عَلَىٰ قَضَائِكَ يَا رَبَّ لَا إِلَهَ سِوَاكَ": صبر می‌کنم بر قضای تو، ای پروردگار من! هیچ‌خدایی جز تو نیست (پسندیده، ۱۳۸۹، ص: ۲۳).

یکی از اصول تربیتی مترتب بر صبر، اصل تدرج در تربیت است که خود یکی از اصول بنیادین تربیت اسلامی است (شمشیری و شیروانی شیری، ۱۳۹۰: ۷۹-۹۸)، که مورد توجه صاحب‌نظران و متخصصان این حوزه قرار گرفته است (باقری، ۱۳۸۹: ۱۲۳؛ دلشاد تهرانی، ۱۳۸۱: ۵۴). بنابراین،

در فرآیند تعلیم و تربیت برای دستیابی به صبر به عنوان یک هدف میانی در تربیت، می‌توان با رعایت اصل تدرج، بر شتابزدگی انسان حد زده و موجبات خوشنودی و رضایت انسان از شرایط واقع را فراهم می‌نماید.

اهداف عالی:

۱- کسب رضای الهی و قرب الی الله

یکی از استعدادهای بسیار مهم انسان گرایش او به کمال است. انسان موجودی کمال خواه و حقیقت طلب است و دوست دارد تمام کمالات را دارا باشد، و از آن جهت که این استعداد و گرایش به سمت بی‌نهایت است و وجود بی‌نهایت از نظر معارف دینی تنها خدای متعال است که تمام کمالات را بالفعل دارد، می‌توان گفت که هدف و مطلوب نهایی در رویکرد تربیتی اسلام نزدیک شدن هر چه بیشتر به سرچشمه هستی و کمال مطلق (خداوند) است. جست و جوی رضوان خدا نیز ملحق به قرب است، زیرا مقصود از رضوان، توجه به خداست، توجهی متعالی که به "رضا" چشم دارد نه به "جزا". پس رضوان، اخص از قرب و اوج آن است و اذل "بهره‌ی اندکی" از رضوان به هر بهره‌ی گزاف دیگری پهلوی می‌زند (باقری، ۱۳۸۹، ص: ۸۱). بنابراین هر عملی که بتواند انسان را به خداوند نزدیک کند، عملی است که به طور قطع مورد رضا و پذیرش خداوند واقع شده است.

۲- دوری از اعمالی که سخط الهی را در پی دارد

آخرت بستری برای ایمان و توبه و استغفار و عمل نیست؛ چرا که در آخرت دست عمل انسان بسته است و تنها باید پاسخگوی اعمال باشد و در جایگاه حسابرسی اعمال قرار گیرد، ولی در دنیا می‌تواند با اعمالی که رضای الهی را در پی دارد، چون ایمان و عمل صالح، خود را از عذاب‌های دنیوی و اخروی حفظ کند. کسانی که گرفتار "کفر" (مزمل/۱۷)، "گمراهی" (رعد/۳۳-۳۴)، "گناه" (هود/۶۳)، "نافرمانی و عصیان" (جن/ ۲۲ - ۲۳) و مانند آن هستند، نمی‌توانند خود را مصون از عذاب‌های الهی حتی در دنیا بدانند، با آنکه خداوند مهلت می‌دهد و حسابرسی کامل را به آخرت می‌اندازد، ولی گاه به علل و اهدافی در همین دنیا افراد را گرفتار عذاب استیصال می‌کند.

اصول تربیتی برآمده از مفهوم رضا

از مفهوم پردازی مفهوم قرآنی رضا و تحلیل فلسفی آن می‌توان به طور عمده به سه اصل زیر اشاره کرد:

۱- اصل خدامحوری

یکی از عام‌ترین اصول در تربیت اسلامی اصل خدامحوری است. این اصل جوهره‌آسای رفتار یک فرد دین‌دار را تشکیل می‌دهد و مهم‌ترین اصل ایجاد تمایز تربیت دینی از دیگر رویکردهای تربیتی به شمار می‌آید. مفهوم "خدامحوری" عبارت است از "انجام و یا قصد انجام کلیه اعمال و رفتار انسان براساس ملاک و معیارهایی که خداوند برای آنها تعیین کرده است، به منظور کسب رضایت الهی" (مشایخی‌راد، ۱۳۸۱: ۵۴). انسان خدا محور در دیدگاه اسلام، انسانی است که در عقاید، اخلاق فقه، حقوق و دیگر شئون خود موحدانه عمل کند، در غیر این صورت از حقیقت حیات انسانی بهره ندارد. توحیدباوری و

تقوایی‌پیشگی از مهم‌ترین مؤلفه‌های خدامحوری است (پهلوان و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۷)

جریان این امر در عمل تربیتی ناظر بر نحوه عملکرد مربی براساس آن ملاک‌هاست. قُلْ إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ وَ أَمْرًا لَّنُسَلِّمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ؛ بگو: در حقیقت تنها هدایتِ خداست که هدایت واقعی است که دستور یافته‌ایم که تسلیم پروردگار جهانیان باشیم (انعام / ۷۱).

بنابراین، گزینش برنامه‌های تربیتی باید به نحوی صورت پذیرد که انگیزه رضایت خداوند در مرتبه روز به روز فزونی یابد، تا جایی که وی بدون کسب رضایت الهی به هیچ عملی اقدام نکند. انتقال روحیه تعهد در مرتبه برای تطبیق اعمال با معیار و ملاک الهی بارزترین ثمره‌ای است که از این اصل حاصل می‌شود.

۲- اصل محبت

رضا به محبت بستگی دارد؛ اگر محبت حاصل شد رضایت هم حاصل می‌آید و چنانچه رضا متعلق به محبوب باشد، این محبت، به رضای الهی از قضا و قدر می‌انجامد؛ زیرا می‌داند که دوست برای دوست جز خیر نمی‌خواهد (محمد امین، ۱۳۸۵، ص: ۵۳۵). امام سجاد (علیه‌السلام) در بیان منزلت و جایگاه رفیع مقام رضا فرمود: "بالاترین درجه زهد، پست‌ترین درجه ورع و بالاترین درجه ورع، پست‌ترین درجه یقین و بالاترین درجه یقین، پست‌ترین درجه رضا است" (کلینی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص: ۱۲۸).

بنابراین دوستان خدا با رضایت‌مندی از آنچه او رقم می‌زند، از هرگونه حزن و اندوهی به دورند و در کمال بهجت و سرور زندگی گوارایی دارند. در قرآن کریم آمده است: «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (یونس/۶۴) آگاه باشید، که بر دوستان خدا نه بیمی است و نه آنان اندوهگین می‌شوند.

۳- اصل رضایت بنده به قضا و قدر الهی

خدای تعالی خطاب به داود علیه السلام می‌فرماید: "تو می‌خواهی و من می‌خواهم و آن چه تحقق می‌یابد خواست من است؛ پس اگر در برابر خواست من تسلیم باشی، خواسته تو را برآورده سازم و اگر تسلیم خواسته من نشوی تو را در (راه) آن چه می‌خواهی به رنج در افکنم و سرانجام هم جز خواست من تحقق نیابد" (فیض کاشانی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص: ۹۰).

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به جبرئیل می‌فرماید: "معنای خرسندی چیست؟ جبرئیل گفت: آن که خرسند است از آقای خود، خشم و ناخشنودی به دل نمی‌گیرد، خواه به چیزی از دنیا برسد یا نرسد؛ و به کار اندک خود نیز رضایت نمی‌دهد" (مجلسی، ج ۶۹، ص: ۲۶۳). هرگاه خدا بنده‌ای را دوست بدارد مبتلایش گرداند؛ اگر صبر کرد او را انتخاب می‌کند و اگر خرسند بود او را برای خود برمی‌گزیند (همان، ج ۸۲، ص: ۱۴۲).

از فواید رضای بنده به قضاء خدا، رضای خدای سبحان از اوست و این بزرگترین سعادت در دو جهان است و هیچ نعمتی در بهشت والاتر از آن نیست چنانکه خدای سبحان می‌فرماید: "وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَ رِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ؛" (توبه، ۷۲) خداوند به مردان و زنان با ایمان، باغ‌هایی از بهشت وعده داده که نهرها از زیر درختانش جاری است؛ جاودانه در آن خواهند ماند و مسکن‌های پاکیزه‌ای در بهشت‌های جاودان (نصیب آن‌ها ساخته) و (خشنودی و) رضای خدا، (از همه این‌ها) برتر است و پیروزی بزرگ، همین است!»

برای اینکه انسان راضی به قضاء حق باشد، تأمل در دو اصل کافی است:

اصل اول؛ توجه به فایده‌ای که در حال و آینده انسان، با رضا به قضاء حق نهفته است؛ اما فایده حال، همان فراغت قلب و کم شدن حزن و اندوه بی‌فایده انسان است. فایده در حال و آینده، همان ثواب و پاداش حق تعالی و رضوان اوست. (رضی الله عنهم و رضوا عنه)

اصل دوم؛ آن خطر بزرگ و نفاقی است که ناخشنودی از قضا الهی در پی دارد مگر اینکه ذات اقدس حق به رحمت خود آن را تدارک کند. (فیض کاشانی، ص ۱۷۶-۱۷۹)

از سخنان بالا درمی‌یابیم که رضای الهی در گروی خرسندی بنده به مقدرات الهی است. اگر بنده به قضا و قدر الهی راضی باشد و در برابر ناملايمات و ناکامی‌ها صبر کند، به رضای الهی دست می‌یابد.

در کتاب بحار الانوار هم آمده است: "شکیبایی و راضی بودن نسبت به آن چه خدا می‌کند، خواه خوشایند

بنده باشد یا ناخوشایند او، در رأس عبادت خداست و هیچ بنده‌ای در پیشامدهای خوشایند و ناخوشایند از خدا خرسند نباشد، مگر آن که برایش خیری باشد. خوشی و آسایش در خرسندی و یقین است و غم و اندوه در شک و ناخرسندی " (مجلسی، ج ۶۸، ص: ۱۵۹-۱۵۸). "خداشناس ترین مردم، خشنودترین آن‌ها به قضای خداست" (همان، ج ۷۱، ص: ۱۵۸).

بنابراین خداوند که آفریننده انسان‌ها می‌باشد قضا و قدر هرکس را با توجه به ویژگی‌های وی قرار داده است و انسان بایستی راضی به قضا و قدر خویش باشد که این رضایتمندی باعث ایجاد آرامش در زندگی او می‌شود.

روش‌های تربیتی مبتنی بر مفهوم رضا

۱- ارائه الگو

امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: "كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِأَعْمَالِكُمْ وَ لَا تَكُونُوا دُعَاةَ بِالسِّيئَاتِكُمْ" یعنی با کردار و رفتار مردم را به خوبی‌ها و نیکی‌ها دعوت کنید نه با زبان‌های خود" (کلینی، ۱۳۹۳، ج ۲، ص: ۷۸).

وجود الگوی عملی در مسائل دینی و اخلاقی ضروری است. قرآن کریم در این زمینه در سوره احزاب می‌فرماید: "لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ (احزاب/۲۱) همانا رسول خدا برای شما اسوه و الگوی خوبی است."

مقدار زیادی از دانش‌ها، مهارت‌ها و سایر یادگیری‌ها از راه مشاهده رفتار والدین، دوستان، معلمان، و نیز از طریق مشاهده پیامدهای رفتار آنان کسب می‌شوند. یادگیری مشاهده‌ای، در واقع همان سرمشق‌گیری است که در آن فرد با انتخاب یک الگو یا سرمشق به تقلید از رفتار آن می‌پردازد. بر همین اساس، یکی از روش‌های تربیت، تربیت به وسیله الگو است. مریدان و والدین می‌توانند با رفتار و گفتارهایی که نشان از رضایتمندی دارد، این ویژگی را به کودکان و متربیان معرفی و در آنان زمینه‌سازی نمایند.

۲- امر به معروف و نهی از منکر

بی تفاوت نبودن به جامعه و انجام امر به معروف و نهی از منکر، خود باعث جلوگیری از تبعیت‌های کورکورانه از خلق و انجام اعمال ناصالح با هدف کسب رضایت مردم می‌شود امام علی (ع) در این زمینه می‌فرماید: "مَنْ طَلَبَ رِضَى الْمَخْلُوقِ بِسَخَطِ الْخَالِقِ، سَلَطَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْهِ ذَلِكَ الْمَخْلُوقَ". آنکه رضایت مخلوق را با چیزی که موجب غضب خالق می‌شود، تحصیل کند، خداوند متعال آن مخلوق را بر

وی مسلط می‌نماید (مجلسی، ۱۴۰۳ ق.، ج ۷۷، ص: ۱۵۶).

رسول خدا (ص) می‌فرماید: "آنکه ثنای مردم را با معصیت خدا طلب کند، ثناگویش، بدگو می‌شوند، و آنکه مردم را به خشم خداوند راضی کند، خداوند او را به آن‌ها می‌سپارد. و آنکه خدای را خشنود سازد هر چند مردم را ناراحت کرده باشد، خداوند شرور و آفات آنها را از او دفع می‌کند، و آنکه بین خود و خدا را نیکو نماید، خداوند ارتباط او و بندگان را نیک خواهد ساخت" (همان، ص: ۱۷۸).

انجام امر به معروف و نهی از منکر باعث در نظر گرفتن خشنودی خداوند و تقویت نگاه نقادانه می‌شود که در آن مرتبی اعمالش را با در نظر گرفتن رضایت خدا انجام می‌دهد و رفتار انسان‌ها را در راستای حق و حقیقت مورد نقد قرار می‌دهد.

۳- تقویت ایمان

علامه طباطبائی چنین می‌فرماید: بت پرستان می‌گفتند: "هُؤُلَاءِ شُفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ" (یونس/۱۸) و یا می‌گفتند: "مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى" (زمر/۳) خدای تعالی اعتقاد آنان را رد نموده، می‌فرماید: "ملائکه هر کسی را شفاعت نمی‌کنند، تنها کسانی را شفاعت می‌کنند که دارای ارتضاء باشند (و لا يشفعونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى)" (انبیاء/۲۸). ارتضاء به معنای داشتن دینی صحیح و مورد رضای خدا است، چون خودش فرموده: "إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَ يَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ" (نساء/۴۸) پس ایمان به خدا بدون شرک، ارتضایی است، که بت پرستان آن را ندارند و انسان‌هایی که ایمان به خداوند یگانه دارند به مقامی دست پیدا خواهند کرد، که خداوند از آنان خشنود است.

امام رضا (ع) هم در حدیثی درباره ارکان ایمان می‌فرماید: "ایمان بر چهار رکن استوار است. هر کس به این چهار رکن پایبند باشد مؤمن شمرده می‌شود: نخست توکل بر خدا، دوم خشنودی و رضایت به مقدرات الهی، سوم واگذاری کارها به خداوند، چهارم تسلیم در برابر دستورهای پروردگار" (ابن شعبه حرانی، ۱۳۹۳، ص: ۴۴۵)؛ یعنی بندگان باید همواره خدا را در نظر داشته باشند و در تمام امور فردی و اجتماعی خود، متوجه حق و حقیقت بوده، از جاده شریعت منحرف نگردند و با توکل در امور از پروردگار استعانت جویند. از این سخن امام به دست می‌آید که کمال ایمان انسان در گرو چهار چیز است: توکل بر خدا، رضایت به قضای الهی، تفویض امور به خدا، تسلیم در برابر فرمان خداوند.

در نتیجه باید ایمان به خداوند یکتا را در مرتبی تقویت کرد چرا که طی کردن مراتب ایمان زمینه دستیابی به مراتب بالای رضای الهی را فراهم می‌کند.

۴- انجام عمل صالح

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: "پیشگامان نخستین از مهاجرین و انصار، و کسانی که به نیکی از آنها پیروی کردند، خداوند از آنها خشنود گشت (و السَّابِقُونَ الْأَوْلَىٰ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ)". (توبه/۱۰۰) علامه طباطبائی در ذیل این آیه می‌فرماید: "آیه نشان می‌دهد که ایمان و عمل صالح از شرایط رضایت پروردگار است چون آیه شریفه، مؤمنین را در سیاقی مدح کرده که در همان سیاق منافقین را به کفر و اعمال زشت مذمت نموده است". همان طور که روشن است یکی از شرایط رسیدن به رضای الهی، عمل صالح است که باید در متری مورد توجه قرار گیرد و کردار نیک و صالح مربی بهترین الگوی عینی در این زمینه است (طباطبائی، ۱۳۷۸، ج ۹، ص: ۵۰۸).

۵- تقویت روحیه ایثار و فداکاری

قرآن کریم با بیان شواهد و نمونه‌هایی، ایثار و ایثارگران را ستوده است از جمله در آیه‌ای، ایثار مالی خاندان پیامبر(ص) را چنین می‌ستاید: "و غذای (خود) را با اینکه به آن علاقه (و نیاز) دارند به «مسکین» و «یتیم» و «اسیر» می‌دهند" (خوانساری، ۱۳۸۴، ج ۳، ص: ۲۱۶). هم چنین قرآن کریم درباره ایثار جانی حضرت علی(ع) می‌فرماید: "بعضی از مردم (با ایمان و فداکار، همچون علی(ع)) در «لیلة المبيت» به هنگام خفتن در جایگاه پیغمبر(ص)) جان خود را به خاطر خشنودی خدا می‌فروشد و خداوند نسبت به بندگان مهربان است." (بقره/۲۰۸)(انسان/۸) و در جایی دیگر از «انصار» که در حال فقر، از برادران مهاجر خود، با تقسیم اموال و خانه‌های خویش پذیرایی کردند و آنان را بر خود مقدم داشتند چنین تمجید می‌کند: "آن‌ها را بر خود مقدم می‌دارند هر چند خودشان بسیار نیازمند باشند کسانی که از بخل و حرص نفس خویش بازداشته شده‌اند و رستگارانند" (حشر/۹-۱۰).

ایثار در روایات به عنوان نیکوترین احسان و اعلی مراتب ایمان شمرده شده است، چنانکه امیرمؤمنان علی(ع) فرمود: "ایثار خوی نیکوکاران و شیوه نیکان است. در جای دیگر فرمود: ایثار نیکوترین احسان و بالاترین مراتب ایمان است" (همان، ۱۳۸۴، ج ۲، ص: ۱۶۴). همانطور که در کلام امیر المومنین (ع) پیداست؛ ایثار بالاترین مرتبه ایمان است و از آنجایی که ایمان لازمه کسب رضای الهی است و طی کردن مراتب آن باعث طی کردن مراحل رضای خداوند است باید حد اعلای ایمان (ایثار و فداکاری) را در متری پایه ریزی کرد.

نتیجه‌گیری

در این مقاله سعی شد تا بر معنا شناسی مفهوم رضا در قرآن کریم و دلالت‌های تربیتی برآمده از آن پرداخته شود.

قرآن که برترین منبع هدایت و تربیت انسان است سعادت و رستگاری حقیقی را دستیابی به رضای الهی می‌داند و می‌فرماید: "رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ". (مائده/۱۱۹). "قرآن به اندازه‌ای روی این کلمه اصرار دارد، که می‌فرماید اگر کسی مقام تسلیم و رضا را پیدا کند، بهشت برای او کوچک است و دم مرگ یا در دنیا به او خطاب می‌شود: "يا أَيَّتْهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكَ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَ ادْخُلِي جَنَّتِي". (ای نفس مطمئن و دل آرام، امروز به حضور پروردگارت باز آی، که تو خوشنود و از او راضی هستی و او از تو راضی است، پس داخل شو در میان بندگان خاص من و داخل شو در بهشت من). (فجر/۳۰-۲۷) آدمی که خدا از او راضی و او از خدا راضی است، او مقام تسلیم و رضا را داراست، او پیش خداست و بهشت معمولی، عدن و رضوان الله برای او کوچک است. اگر در بهشت است، در بهشتی که منسوب به خداست، پیش پیغمبر اکرم (ص)، ائمه طاهرين (عليهم السلام) و حضرت زهرا علیها السلام است. و به قول قرآن شریف، عروة الوثقاي بزرگی است. برای نجات از بلیات دنیوی و نجات از عذاب الهی در آخرت دستگیره‌ای است. "وَمَنْ يُسَلِّمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَ هُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ" (لقمان/۲۲) آن کسی که مقام تسلیم دارد، برای اینکه در دنیا و آخرت سقوط نکند، دستگیره خوبی به دست آورده است. از آن طرف قضیه هم قرآن می‌فرماید، اصلاً کسی که این مقام تسلیم و رضا را نداشته باشد، یک آدم سفیهی است. ممکن است عقل معاش داشته باشد. ممکن است عقل تعلیم و تعلم داشته باشد، اما عقل شرعی، آن عقلی که انسان را در دنیا و آخرت نجات می‌دهد، ندارد. قرآن می‌فرماید: "وَمَنْ يَرْغَبْ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ". آن که تابع ابراهیم نیست، سفیه است. بعد می‌فرماید: "إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمِ قَالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ" (بقره/۱۳۰) ابراهیم آن بود، که صد در صد تسلیم بود، صد در صد مقام تسلیم و رضا داشت (مظاهری، ۱۳۷۶، ص: ۹۰).

پس روشن است که مقام رضا همان سعادت حقیقی است که به عنوان دستاویزی محکم برای نجات از عذاب الهی معرفی شده است. دستیابی به مقام رضا باعث کامل شدن عقل شرعی می‌شود؛ همان عقلی که مانع از سقوط انسان می‌گردد.

به طور کلی هدف تعلیم و تربیت، پرورش انسان‌های آگاه، متعهد، مسوول و کامل می‌باشد. یکی از

ساحت‌های مهم تعلیم و تربیت، تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی می‌باشد. که این ساحت به رشد و پرورش مرتبه قابل قبولی از جنبه دینی و اخلاقی حیات طیبه در وجود متریبان می‌پردازد. یکی از اقداماتی که در حوزه پرورش ایمان و افزایش آگاهی‌های متریبان نسبت به باورها و ارزش‌ها و اعمال اعتقادی و اخلاقی انجام باید گیرد، متوجه کردن متریبان به اهمیت نقش نیت در انجام کارهایشان می‌باشد و بایستی رضایت خداوند در اعمال خویش در نظر بگیرند و این چنین می‌شود که اعمال آنها حکم عبادت را پیدا می‌کند.

این مفهوم با توجه به ارزش بالایی که دارد باید بصورت خاص در مراکز تربیت معلم مورد توجه قرار گیرد و جزئی از برنامه‌های تربیتی در این مراکز قرار داده شود؛ تا دبیران و معلمان که برای تربیت آینده سازان کشور پا در عرصه تعلیم و تربیت می‌گذارند هدف غایی را بدانند و در راستای آن فعالیت‌های خود را شکل دهند.

در مقاطع تحصیلی هم این مفهوم باید بطور عام در کتاب‌های درسی با در نظر گرفتن ارتباط طولی و عرضی، گنجانده شود و در تدریس، روابط دانش آموزان با هم و دانش آموزان با معلم مورد توجه قرار گیرد.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه انصاریان.
نهج البلاغه، ترجمه دشتی
الامین، السید محسن. (۱۴۰۳). *اعیان الشیعه*، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
ابن شیعه حرانی، حسن بن علی. (۱۴۰۴ ق). *تحف العقول*، تحقیق علی اکبر الغفاری، قم: موسسه نشر الاسلامی.
ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. (۱۳۹۳)، *تحف العقول*، چاپ شانزدهم، ترجمه صادق حسن زاده، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
انصار محمدی، سید جلیل، (۱۳۹۵)، تبیین مقام رضا در قرآن، حسنا، قم، *فصلنامه تخصصی تفسیر علوم قرآن و حدیث*، ۱۳۹۵، ۲۹-۳۰، ۲۶.
انصاریان، حسین. (۱۳۲۳)، *راه نجات*، چاپ اول، قم: نشر دارالعرفان.
النوری الطبرسی، میرزا حسین. (۱۳۶۸)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، چاپ دوم، قم: مؤسسه آل البیت (ع).
ایمان، محمدتقی. (۱۳۸۸). *مبانی پارادایمی روش‌های کمی و کیفی تحقیق در علوم اسلامی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
باقری، خسرو. (۱۳۸۹)، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، ج ۱، چاپ بیست و سوم، تهران: انتشارات مدرسه. پسندیده، عباس. (۱۳۸۹)، *رضایت از زندگی*، چاپ هشتم، قم: دارالحدیث.
پهلوان، منصور و عبدالهادی فقهی زاده و روح الله محمدی. (۱۳۹۳). مؤلفه‌های خدامحوری و آثار آن در زندگی از دیدگاه قرآن و روایات، *فصلنامه اسلام و مطالعات اجتماعی*، سال دوم، شماره دوم.
تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد. (۱۳۶۶ش). *تصنیف غرر الحکم و درر الکلم*، چاپ اول، جلد ۱، قم: دفتر تبلیغات.
الآمدی، عبدالواحد. (۱۳۷۸)، *غرر الحکم و درر الکلم*، چاپ دوم، ترجمه هاشم رسولی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۵)، *حکمت عبادات*، چاپ بیست و یکم، تهران: اسراء.
حرّ عاملی، محمد بن حسن. (۱۳۹۳)، *وسائل الشیعه*، چاپ چهاردهم، ترجمه علی افراسیابی، تهران: نهایندی. خمینی، سید روح الله. (۱۳۸۹) *تسرح حدیث جنود عقل و جهل*، تهران، مرکز تنظیم و نشر آثار امام خمینی.. خوانساری، آقا جمال الدین. (۱۳۸۴)، *تسرح غرر الحکم*، چاپ ششم، تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران.
دلشاد تهرانی، مصطفی. (۱۳۸۱). *مکتب مهر: اصول تربیت در نهج البلاغه*، تهران: دریا.
راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۳۸۷)، *مفردات الفاظ قرآن*، چاپ دوم، ترجمه حسین خدا پرست، قم: دفتر نشر نوید اسلام. (۱۴۱۲ق).

- شمسیری، بابک و علی شیروانی شیرازی. (۱۳۹۰) مفهوم صبر در قرآن و دلالت‌های فلسفی و تربیتی آن، **دوفصلنامه تربیت اسلامی**، س ۶، ش ۱۳، صفحات ۷۹-۹۸.
- طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۷۸)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، چاپ یازدهم، ترجمه محمد باقر موسوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی
- فیض کاشانی، ملاً محمد محسن. (۱۳۷۲). **المحجۀ البیضاء فی تهذیب الاحیاء**، چاپ اول، ترجمه محمد بن مرتضی، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی
- قرائتی، محسن. (۱۳۷۴). **تفسیر نور**، چاپ اول، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قریشی، سید علی اکبر. (۱۳۶۴). **قاموس قرآن**، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کاشانی، عزالدین محمود بن علی. (۱۳۹۳). **مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه**، چاپ چهاردهم، تهران: شرکت نشر هما.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۹۲). **اصول کافی**، چاپ ششم، ترجمه صادق حسن زاده، تهران: قائم آل علی.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۲۹). **الکافی**، چاپ اول، قم: دارالحدیث.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳). **بحار الانوار**، چاپ یکم، ترجمه، تهران: ناشر مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان.
- مشایخی‌راد، شهاب‌الدین (۱۳۸۱). **اصول تربیت از دیدگاه اسلام، مجله روش‌شناسی علوم انسانی**، ش ۳۲، ص ۵۰-۶۸.
- مظاهری، حسین. (۱۳۷۶). **آفتاب پرهیزگاری**، چاپ اول، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، دفتر پژوهش
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۴). **پیدایش مذاهب**، چاپ اول، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع).
- نراقی، احمد بن محمد مهدی. (۱۳۷۸). **معراج السعاده**، چاپ ششم، قم: موسسه انتشارات هجرت.

